رویده عامر، در روایتی مستند در شبکه الجزیره، از مبارزه با وحشت بمباران مداوم ارتش اشغالگر و در عین حال شوق ساختن دوباره زندگی در غزه می گوید

یک داستان واقعی از غزه من را به خاطر بسپار

[راضیه زرگری] «من شماره نیستم، یک داستان واقعی از غزه هستم؛ آن را به خاطر بسپار.» رویده دختری اهل غزه است که در آوارگی و پناهندگی به دنیا آمده و تمام عمرش در باریکه غزه تلاش کرده تا زندگی خود و خانواده اش را بهتر کند، او می گوید :« از زمانی که دیدم شهدا را «افراد ناشناس» می‌خوانند یا در گورهای دسته جمعی می‌گذارند، تصاویر متفاوت این جنگ در ذهنم ثبت شد. برخی از آنها فقط چند تکه اعضای بدن هستند که قابل شناسایی نیستند. پس ممکن است تمام چیزی که روی کفن من می نویسند هم این باشد «زنی جوان با بلوز مشکی یا آبی» و یا حتی ممکن است به عنوان یک «شخص ناشناس» بمیرم، فقط یک شماره. اما من می خواهم همه اطرافیانم داستان من را به خاطر بسپارند. یک داستان واقعی از غزه.»

رویده عامر، در روایتی مستند در شبکه الجزیره، از مبارزه با وحشت بمباران مداوم اسرائیل می گوید و در عین حال وحشت از اینکه بعد از هر بمباران چه می شود. او حالا که شهادت را از نزدیک لمس می کند، می گوید:« به نوشتن وصیت نامه فکر کرده ام. انتظار نداشتم مرگ را اینقدر نزدیک خود احساس کنم. فکر می کردم مرگ ناگهانی می‌آید و ما آن را حس نمی‌کنیم، اما در این جنگ همه چیز را به ما چشاندند ... آرام آرام.» روایت زندگی رویده در شرایط یک سال و نیم آتش بمباران و جنایت اسرائیل در نوار غزه ای که می گوید خانه فلسطینیان است و دوستش دارند، خواندنی است.

ترسی همیشگی درون ما نقش بسته

او می گوید:« حالا دیگر قبل از اینکه اتفاق بیفتد رنج می‌کشیم، مثل اینکه انتظار داشته باشیم خانه دیگری بمباران شود. ممکن است حتی از زمان شروع جنگ هنوز پابرجا باشد، اما این احساس ترس در درون ما نقش بسته. این ترس قلبم را فرسوده کرده، تا جایی که احساس می کنم نمی توانم هیچ چیز دیگری را تحمل کنم.»

این جنگ متفاوت است، بسیار متفاوت با آنچه من قبلاً تجربه کرده ام

او تعریف می کند که از ابتدای جنگ، با ارتش اسرائیل از فاصله بسیار نزدیک دست و پنجه نرم کرده:« لحظه ای را به یاد می آورم که تانک ها از منطقه نتزاریم وارد شدند و من با تعجب به همه دوستانم پیام دادم چطور وارد غزه شدند؟ آیا خواب می بینم؟ منتظر بودم که از غزه عقب نشینی کنند تا دوباره آزاد شود، همانطور که همیشه می آمدند و می رفتند. اما اکنون آنها بسیار نزدیک به جایی که من هستم، در الفخاری، شرق خان یونس و شمال رفح مستقر اند. اینجا نقطه ای است که خان یونس به پایان می رسد و رفح آغاز می شود. ارتش اشغالگر بسیار نزدیک است، هر لحظه انفجارهای وحشتناکی را می شنویم؛ صداهای بی پایان بمب ها. این جنگ متفاوت است، بسیار متفاوت با آنچه من قبلاً تجربه کرده ام.»

خانه ما در غزه بعد از ۱۰ سال زحمت، دقیقا قبل از شروع جنگ تکمیل شده بود

این دختر اهل غزه داستان زندگی اش را اینگونه روایت می کند:« من دختری هستم که در شرایط استثنایی در دورانی که غزه در محاصره بسیار شدیدی بود، برای دبیرستان و دانشگاه درس خواندم. دانشگاه را تمام کردم و همه جا دنبال کار گشتم تا به پدرم کمک کنم ؛ او از محاصره خسته شده بود و چندین بار کارش را از دست داده بود. من دختر بزرگ خانواده ام هستم و دوست داشتم خانه خوبی برای زندگی داشته باشیم. نمی خواهم چیزی را فراموش کنم... من یک پناهنده هستم. پدربزرگ و مادربزرگ من پناهندگانی بودند که توسط رژیم اشغالگر اسرائیل مجبور به ترک سرزمین اشغالی مادر سال ۱۹۴۸ شدند. آنها به نوار غزه نقل مکان کردند و در اردوگاه پناهندگان خان یونس در غرب شهر زندگی کردند. من در آن اردوگاه به دنیا آمدم، اما ارتش اسرائیل به من اجازه ادامه زندگی را در آنجا نداد. آنها خانه ما را در سال ۲۰۰۰ تخریب کردند و ما دو سال بدون سرپناه ماندیم. ما از یک خانه غیرقابل سکونت به خانه دیگر نقل مکان کردیم تا اینکه آنروا در سال ۲۰۰۳ خانه دیگری در الفخاری به ما داد. آن منطقه فوق العاده، با تمام زمین های کشاورزی، جایی که ما سعی کردیم در محله‌ای که به خاطر بیمارستان اروپایی واقع در آنجا «مسکن اروپایی» نام داشت، زندگی بسازیم. خانه کوچکی بود، برای یک خانواده پنج نفره، با پدر و مادر؛ فضا کافی نبود. به اتاق های بیشتر، اتاق نشیمن و آشپزخانه بهتر نیاز داشتیم. اما به هر حال حدود ۱۲ سال در آنجا زندگی کردیم و به محض اینکه توانستم در سال ۲۰۱۵ برای کمک به پدرم شروع به کار کردم. من به او کمک کردم تا خانه را برای زندگی راحت تر کند. بله، ما به رویاهایمان رسیدیم، اما خیلی سخت بود. ساخت خانه خود را تنها سه ماه قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به پایان رساندیم. درست متوجه شدید، نزدیک به ۱۰ سال وقت گذاشتم که آن را تکه تکه با توجه به توانایی مالی خود بازسازی کنم و درست قبل از جنگ موفق شدیم خانه را تکمیل کنیم. قبل از جنگ هم من از محاصره و سختی زندگی در غزه خسته شده بودم؛ سپس جنگ آمد تا من را کاملاً تخلیه کند، قلبم را فرسوده و تمرکزم را بگیرد.

ما آوارگی را پشت سر گذاشته ایم

رویده از مقاومت و مبارزه مردم غزه در برابر اشغالگری و زورگویی می گوید:« از ابتدای جنگ، ما برای ساده ترین حق خود می جنگیم. مبارزه برای زنده ماندن، مبارزه برای نمردن از گرسنگی یا تشنگی، مبارزه برای از دست ندادن قوه فکر و هوشیاری خود از وحشت هایی که شاهدیم و تجربه می کنیم. ما سعی می کنیم به هر وسیله‌ای زنده بمانیم. ما آوارگی را پشت سر گذاشته‌ایم - در زندگی‌ام، در چهار خانه زندگی کرده‌ام و هر خانه‌ای در نزدیکی بمباران ارتش اسرائیل قرار گرفت. ما جای امنی نداریم؛ قبل از آتش بس موقت، ۵۰۰ روز وحشت محض را زندگی می کردیم. اما متأسفانه کاری که در زمان جنگ انجام ندادم گریه بود. سعی کردم قوی بمانم و غم و عصبانیتم را درون خودم نگه داشتم که قلبم را خسته و ضعیف تر کرد.

احساس می‌کردم اگر ضعفم را بروز دهم در این جنگ هولناک هلاک می‌شوم

او که نسبت به همه اطرافیانش دیدگاهی مثبت تر داشته و حمایت‌گر دیگران بوده، ادامه می دهد:« با قدرت به آنها می‌گفتم مردم شمال بازخواهند گشت و ارتش دشمن عقب نشینی خواهد کرد. می خواستم به همه انرژی بدهم، در حالی که در درونم ضعف بزرگی وجود داشت که نمی خواستم نشان دهم. احساس می کردم که اگر ضعفم را بروز دهم در این جنگ هولناک هلاک می شوم. آتش بس امید بزرگ من برای بقا بود. احساس می کردم چیزی خلق شده و جنگ تمام شد. وقتی مردم تعجب کردند و پرسیدند آیا جنگ بازخواهد گشت؟ من با اطمینان پاسخ دادم: نه، فکر نمی کنم چنین شود. جنگ تمام شده است.»

به این فکر کردم که آیا قلبم تاب فشار بیشتر را دارد؟

«جنگ برگشت و از همیشه به من نزدیک تر بود. من ترس مداوم ناشی از گلوله باران بی پایان را زندگی کردم. آنها از هر نوع سلاحی علیه ما استفاده کردند - راکت، گلوله هواپیما و تانک. تانک ها شلیک می کردند، پهپادها به پرواز ادامه می دادند. این تصاویر زندگی عادی مردم غزه است و همه چیز وحشتناک» او می گوید:« در وحشت دائمی، دستم را روی قلبم گذاشتم، به این فکر کردم که آیا قلبم تاب فشار بیشتر را دارد؟ به همین دلیل برای همه دوستانم پیام فرستادم و از آنها خواستم از داستان من بگویند؛ ما روزهای غیرقابل تحملی را می گذرانیم زیرا ارتش اسرائیل در حال حاضر محله اطراف ما را ویران می کند. هنوز خانواده های زیادی در اینجا زندگی می کنند. آنها نمی خواهند دوباره آواره شوند، زیرا جابه جایی از نظر جسمی، مالی و روانی طاقت فرسا است.

روی آوار عید فطر را جشن گرفتم

اولین آوارگی رویده که در ذهنش مانده مربوط به سال ۲۰۰۰ بود، زمانی که حدود هشت سال داشت.« بولدوزرهای ارتش اسرائیل وارد اردوگاه خان یونس شدند و خانه عمو و پدربزرگم را ویران کردند. سپس به دلایلی در خانه ما توقف کردند. ما از خانه رفتیم. ماه رمضان بود و پدر و مادرم فکر کردند که می توانیم بعداً برگردیم. نمی‌توانستم این واقعیت هولناک را تحمل کنم که خانه‌مان را از دست داده‌ایم؛ به خانه‌ای که تمام آن خاطرات زیبا با پدربزرگ و مادربزرگم بود، برگشتم و چند چیز را برداشتم تا به مادرم برسانم. ارتش اسرائیل شب قبل از عید فطر، خانه ما را تخریب کرد و من و خانواده ام در روز اول عید فطر به آنجا رفتیم. یادم می آید که روی آوار عید گرفتم، لباس جدید عیدم را پوشیدم.»

غزه خانه ماست و آن را دوست داریم

روایت رویده با این جملات به پایان می رسد:« هیچ وقت فراموشم نکن. من سخت برای زندگی‌ام جنگیده ام؛ ۱۰ سال به عنوان روزنامه نگار و معلم سخت کار کرده و خودم را وقف کرده ام. شاگردانی دارم که دوستشان دارم و همکارانی که خاطرات زیبایی با آنها دارم. ارتش اسرائیل اجازه نمی دهد چیزی برایمان بماند؛ همه چیز را نابود می کند و چیزی جز اندوه در قلب ما باقی نمی گذارد. نمی دانم اگر دنیا ما را از این ارتش وحشتناک نجات ندهد، چه آینده ای در انتظارم خواهد بود و نمیدانم قلبم دیگر این صداهای بی پایان را تحمل خواهد کرد یا نه. می دانم زندگی در غزه هرگز آسان نبوده است، اما ما آن را دوست داریم و نمی توانیم هیچ خانه دیگری را دوست داشته باشیم.

روایت رویده با این جملات به پایان می رسد:«هیچ وقت فراموشم نکن. من سخت برای زندگی‌ام جنگیده ام؛ ۱۰ سال به عنوان روزنامه نگار و معلم سخت کار کرده و خودم را وقف کرده ام. شاگردانی دارم و همکارانی که خاطرات زیبایی با آنها دارم. ارتش اسرائیل اجازه نمی دهد چیزی برایمان بماند؛ همه چیز را نابود می کند و چیزی جز اندوه در قلب ما باقی نمی گذارد. نمی دانم اگر دنیا ما را از این ارتش وحشتناک نجات ندهد، چه آینده ای در انتظارم خواهد بود و نمیدانم قلبم دیگر این صداهای بی پایان را تحمل خواهد کرد یا نه. می دانم زندگی در غزه هرگز آسان نبوده است، اما ما آن را دوست داریم و نمی توانیم هیچ خانه دیگری را دوست داشته باشیم

صلیب سرخ

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، وضعیت انسانی در نوار غزه را به «جهنمی روی زمین» تشبیه کرد

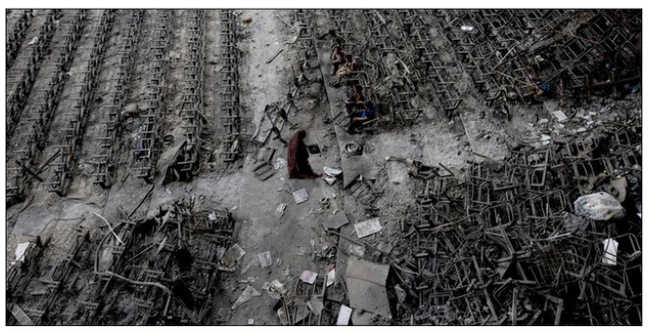

[شهروند] رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ وضعیت انسانی در نوار غزه را «جهنمی بر روی زمین» توصیف و اعلام کرد که تجهیزات بیمارستانی در غزه در حال اتمام است. «میرجانا اسپولیاریچ» رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مقر این کمیته در ژنو خاطرنشان کرد: «ما اکنون خود را در وضعیتی می بینیم که بایستی آن را جهنمی روی زمین توصیف کنم. ساکنان این باریکه در بسیاری از مناطق به آب، برق و غذا دسترسی ندارند.»

بر اساس گزارش روسیا الیوم، رژیم صهیونیستی از دوم مارس مانع ورود کامیون های کمک‌رسانی به نوار غزه شده و هیچ کمک بشردوستانه جدیدی وارد این باریکه نشده است، زیرا مذاکرات در مورد مرحله بعدی آتش بسی که اکنون شکسته شده، متوقف شده است و رژیم اشغالگر در ۱۸ مارس حملات نظامی خود را از سر گرفت.

وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی اعلام کرد که ۲۵ هزار کامیون حامل کمک طی ۴۲ روز آتش بس وارد غزه شده اند و جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) از این کمک ها برای بازسازی ماشین جنگی خود استفاده کرده است؛ این اتهامی است که حماس آن را رد کرده است. رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ همچنین تصریح کرد ذخایر و تجهیزات امدادی به سرعت رو به اتمام است. وی همچنین گفت: «شش هفته است که هیچ کمکی وارد نوار غزه نشده است، بنابراین ما ظرف چند هفته آینده با کمبود تجهیزات و امداداتی روبه رو خواهیم شد که برای ادامه فعالیت بیمارستان به آن نیاز داریم.»

رئیس کمیته صلیب سرخ ضمن ابراز نگرانی نسبت به ایمنی عملیات بشردوستانه تاکید کرد: «جابه جایی برای مردم بسیار خطرناک است، اما این شرایط به ویژه برای فعالیت ما نیز بسیار خطرناک است.»

وی خواستار برقراری آتش بس فوری جهت آزادی زندانیان صهیونیست باقیمانده نزد حماس و رسیدگی به مسائل وخیم انسانی در غزه شد. همچنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در پی حملات اخیر در غزه در ایکس نوشت: کشته شدن هر پزشک در غزه، فرصت نجات جان غیرنظامیان را از بین می برد، غیرنظامیانی که دیگر حتی تحمل درد و رنج بیشتر را ندارند. ما همچنان از کشته شدن پزشکان جمعیت هلال احمر فلسطین که با بسیاری از آنها در بیمارستان صلیب سرخ و سایر بیمارستان های غزه کار می کردیم، عمیقاً دردمند و برآشفته ایم. این کمیته افزود: قویاً از صحنه های هولناکی که شرایط مرگ آنها را به تصویر می کشد آزرده ایم. کشتن آنها یادآور این واقعیت دردناک است که غزه چقدر برای غیرنظامیان و برای کارکنان بشردوستانه که همه چیزشان را برای نجات جان انسان ها به خطر می اندازند، خطرناک است. این حادثه باید نقطه عطفی باشد. طبق حقوق بین-المللی بشردوستانه، پرسنلِ بشردوستانه و پزشکی تحت حفاظت قرار دارند. آنها باید در هر شرایطی مورد احترام قرار گیرند.

در ماه مارس، اجساد ۱۵ نفر از امدادگران و کارکنان کمک رسانی، از جمله هشت عضو هلال احمر فلسطین، در یک گور دسته جمعی در جنوب غزه کشف شد. سازمان ملل و هلال احمر نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی را مسؤول کشتن آنها دانستند. در همین راستا، سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است که ذخایر آنتی بیوتیک ها و کیسه های خون به سرعت در حال کاهش است. ریچارد پیپرکورن، نماینده سازمان بهداشت جهانی در اراضی فلسطینی از طریق ویدئو کنفرانس به خبرنگاران در ژنو گفت که ۲۲ بیمارستان از مجموع ۳۶ بیمارستان در این باریکه تنها به صورت حداقلی فعالیت دارند.

رژیم صهیونیستی از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ با حمایت کامل آمریکا نسل کشی را در غزه به راه انداخته که در نتیجه آن بیش از ۱۶۶ هزار فلسطینی که بیشترشان زن و کودک بودند، شهید و زخمی شده و بیش از ۱۱ هزار تن دیگر مفقود شدند.

تاکید رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ:

بحران بزرگ مهاجران بازگشته به افغانستان و بی برنامگی طالبان برای پذیرش آنها

[شهروند] الکساندر متیو، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای آسیا و اقیانوسیه می‌گوید مهاجران بازگشته از پاکستان به افغانستان با چالش های خدمات بهداشتی، کمبود سرپناه و گرسنگی مواجه اند. او هشدار داد که یک بحران بزرگ در افغانستان در حال شکل گیری است.

الکساندر متیو روز دوشنبه، در یادداشتی در شبکه اجتماعی ایکس به ورود گسترده مهاجران افغان از مرز پاکستان اشاره کرد. او در این یادداشت با ابراز نگرانی از بحران احتمالی در افغانستان تاکید کرد که برای پاسخگویی بلندمدت و کمک به مهاجران بازگشته در مرزها، به جمعیت هلال احمر افغانستان کمک شده است.

با این حال، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اعلام کرد که حدود ۸۲۶ هزار دلار به جمعیت هلال احمر افغانستان اختصاص داده تا خدمات بهداشتی اولیه، غذا و پناهگاه برای مهاجران فراهم کند. این مبلغ برای ارائه خدمات تا ژانویه سال ۲۰۲۶ اختصاص یافته است.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حالی نسبت به بحران انسانی در افغانستان ابراز نگرانی کرده است که روزانه صدها مهاجر افغان از پاکستان و ایران به افغانستان اخراج می شوند. بسیاری از این مهاجران سال ها در این کشورها زندگی کرده اند و به دلیل شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، هیچ امیدی برای زندگی بهتر در کشور خود ندارند. بی برنامگی طالبان برای پذیرش و ادغام این افراد نیز نگرانی های موجود در این زمینه را دو چندان کرده است. سازمان های امدادی و نهادهای بشردوستانه، از جمله عفو بین الملل و کارشناسان سازمان ملل، بارها از پاکستان خواسته اند تا در تصمیم خود برای اخراج مهاجران افغان تجدید نظر کند اما اسلام آباد بر قاطعیت خود در اجرای این تصمیم تاکید کرده است.